دادِ حق را قابلیت شرط نیست

بفضلہ تعالیٰ درین آوان فرخندہ بنیان مبارک عنوان نسخۂ نادر الوجود
نافع متعلمان کار آمد معلمان یعنی

دستور الصبیان

من تصنیف لطیف سرآمد منشیان زمان
مستغنی الاوصاف دبیر باراے صائب منشی نوندھ راے صاحب

باہتمام کیسریداس سیٹھ سپرنٹنڈنٹ

مطبوعۂ منشی نولکشور لکھنؤ

ایک جزو

اطلاع

اس مطبع مین ہر علم و فن کی کتب کا ذخیرہ سلسلہ وار فروخت کے لیے موجود ہے اور فہرست اُس کی ہر ایک شائق کو چھاپے خانے سے مل سکتی ہے جس کے معاینہ ملاحظہ سے شائقان اصلی حالات کتب کے معلوم فرما سکتے ہین قیمت بھی ارزان ہے اِس کتاب کے ٹیٹل پیج کے تین صفحہ سادہ مین کتب متفرقات دینیہ اُردو درج کرتے ہین تاکہ جس فن کی یہ کتاب ہے اُس فن کی اور بھی کتب موجودہ کارخانے سے قدردانون کو آگاہی کا ذریعہ حاصل ہوئے۔

نام کتاب

کتب متفرقات دینیہ اُردو

شبیہ احمدی۔ سراپاے ختم المرسلین کا بیان مولفہٗ جمال الدین حسن خان۔

دوازدہ مجلس مسمی بہ ریاض الازہار۔ فی احوال سیدالابرار۔ مؤلفہٗ مولوی وجیہ الدین محمد رضوی۔

اسرار کربلا۔ حالات معرکۂ کربلاے معلی مؤلفہٗ منشی محمد ظہیر الدین بلگرامی۔

مہر نبوت۔ نعت پیمبر صلی اللہ علیہ وسلم مین تصنیف نواب محمد مردان علی خان مرحوم۔

رموز القرآن۔ اوقاف قرآن کا بیان مولفہٗ مولوی محمد حسین علی ہاتفی شاہجہان پوری۔

آثار محشر۔ علامات قیامت کا بیان۔

صبح کا ستارہ۔ حالات بہشت و دوزخ و قیامت

قیامت نامہ۔ بہشت نامہ۔ مؤلفہ مولوی فیاض الحق

نام کتاب

آثار قیامت۔

اکسیر ہدایت۔ ترجمۂ کیمیاے سعادت مترجمۂ مولوی فخر الدین۔

مذاق العارفین۔ ترجمہ احیاء العلوم یکامل چار جلد مترجمۂ مولوی محمد احسن نانوتوی۔

تحفۂ درود ملقب بہ خیر الکلام۔ مولوی منظور احمد۔

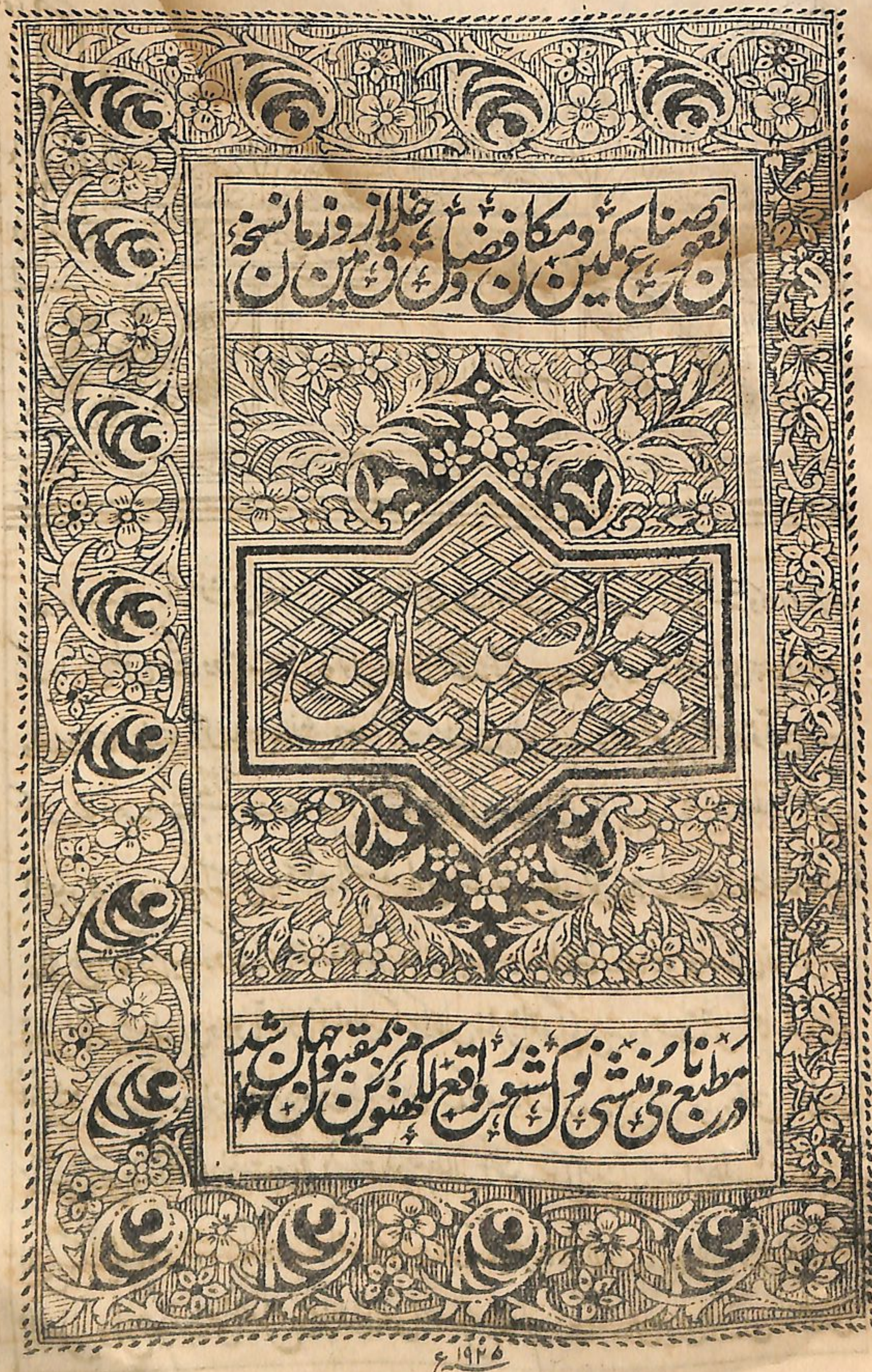
رسالۂ کسب الانبیا مصنفۂ مولوی ظہور الحق۔

شجرۂ طغراے۔ اسماے دوازدہ امام علیہم السلام از صنعت کاری مولوی ہادی علی خوشنویس لاثانی

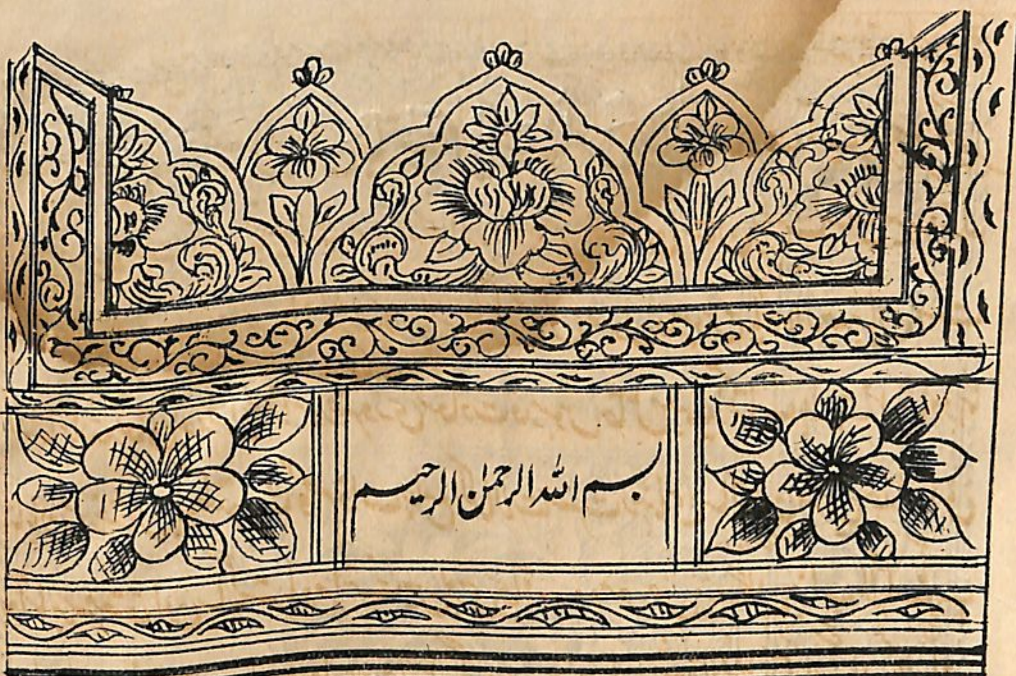
دہ مجلس منظوم۔ معرکۂ شہادت کربلا علی الترتیب مشمولہٗ ۱۴ چہاردہ مجلس۔

جنگ نامۂ کربلا۔

دہ مخزن۔ مصائب کربلا مصنفۂ حکیمہ نصر اللہ خان وصال۔


بعون صانع مکین و مکان فضل و فیض خلاق زمین و زمان نسخه
دستور الصبیان
در مطبع نامی منشی نولکشور واقع لکهنو مقبول حاصل شد

۱۹۲۵ء



حمد وافر دبیری را که انشای آفرینش حرفی از قلم قدرت اوست نظم لطیف و کرم گستر و کارساز ؛ که داری خلق ست و دانای راز ؛ توان در بلاغت بسحبان رسید ؛ نه در کنه بیچون سبحان رسید و نعت تکاثر خبیری را که املای دانش و بینش نکته از خامهٔ هدایت اوست نظم تیمی که ناکرده قرآن درست کتب خانهٔ چند ملت بشست ؛ امام رسل پیشوای سبیل ؛ امین خدا مهبط جبرئیل ؛ صلی الله علیه و آله و صحابه اجمعین محرر این رساله که مسمی به دستور الصبیان است خادم طلبه نونده را در خدمت ذیشان عالی طبع التماس میدارد که برای افادهٔ تعلیم مبتدیان بعد تحریر رساله اسمای فارسی و افعال فارسی و قوانین فارسی تسطیر این اوراق اتفاق افتاد امید که بر کمال هنر این ناقص گمان نبرده عیب بعوض شی را کار فرمایند نظم شنیدم که در روز امید و بیم ؛ بدان را به نیکان ببخشد کریم ؛ تو نیز ار بدی بینی اندر سخن ؛ بخلق جهان آفرین کار کن ؛ مخفی نماند که انشا در لغت پیدا کردنست و در اصطلاح سخنیست که از معنی آن حصول مطلب باشد مکتوب الیه یعنی بهر کسیکه نوشته شود زیاده از سه مراتب نیست بزرگ یا خرد یا برابر لاجرم این رساله را سه فصل نموده شد فصل اول بجانب اعلی فصل دوم بطرف ادنی فصل سوم بسمت مساوی چون قوانین سلاطین

وامراد در کتابهای قدیم بسیار است و فهم صبیان از ادراک (دریافتن ۱۲) آن قاصر لهذا موقوف داشته اختصار بر ضوابط
ضروری مطلوبی نموده شد فصل اول بجانب اعلی مکتوب اول بجناب سعادت مآب پیر دستگیر
روشن ضمیر سلامت آداب تسلیمات مریدانه بجا آورده بعرض خادمان آستان هدایت (رهنمائی ۱۲) نشان میرساند که
باعث مهجوری (جدائی ۱۲) و سبب دوری از کثرت کارهاست لیکن شوق حصول قدمبوس زیاده (زیادتی ۱۲) از حد بیان است
انشاء الله تعالی بعد فراغ از امور ضروری سعادت قدمبوس حاصل مینماید آفتاب هدایت و ارشاد دائما
تابان و درخشان باد مکتوب دوم ذات جامع الکمالات حضرت رهنمای سالکان (راه روندگان ۱۲) طریق خدادانی
دائما بر سر معتقدان سایه گستر باد مراتب زمین بوسی بجا آورده معروض بندگان جناب ملایک مآب
میدارد بورود افتخارنامه سعادت دارین حاصل گردید هرچه در باب اشتغال و وظیفه که از زبان الهام
بیان تلقین یافته ارشاد شده بود حقائق آگاها از برکت توجهات باطن قدسی آنحضرت هرگز از اشغال
اوراد و وظیفه (تعلیم ۱۲) غافل نیست همیشه تا حصول سعادت قدمبوس امیدوار ارشاد (رهنمائی ۱۲) بذریعه سعادت صحائف
خورشید افاضت و افادت درخشان باد مکتوب سوم رهنمای سالکان و پیشوای عارفان (خداشناسان ۱۲) سلامت شرائط
آستان بوسی بتقدیم رسانیده با هزاران تمنای قدمبوس معروض میگرداند صحیفه هدایت آمود (فائده رسانیدن ۱۲) مع تعویذ بازو
که از راه تفضلات (مهربانی ۱۲) مریدنوازی عنایت شده بود ورود فرمود فراوان (بسیار ۱۲) سعادت دنیا و آخرت بحصول پیوست
ایزد تعالی سایه بلند پایه آنحضرت همیشه بر سر مریدان مبسوط گرداناد مکتوب چهارم هادی (رهنما ۱۲) مراحل
خداشناسی سلامت تسلیمات معتقدانه بجا آورده بعرض بهره اندوزان بارگاه هدایت میرساند مدتست
که از تردد خیریت ذات ملکی صفات خبر نیافته خاطر عقیدت مآثر متردد است امیدوار است که از
چگونگی اوقات مبارک (خبر خوش ۱۲) ارشاد فرمایند که جمعیت ظاهر و باطن حاصل شود زیاده بجز تمنای قدمبوس
چه عرض نماید مکتوب پنجم قبله مریدان و کعبه معتقدان سلامت قواعد بندگی و پرستندگی بتقدیم رسانیده
معروض میدارد از برکت توجهات باطنی آنحضرت مطلبی که در خاطر این مرید درست اعتقاد بود

بحصول آنجا امید مبلغ یکصد و بست و پنج روپیه نذر خادمان درگاه ارسال داشته امید وارست که بدرجهٔ
اجابت رسد ابواب ارشاد کشاده باد مکتوب ششم مجمع فضائل و منبع فواضل سلامت بعد ادای آداب

سرچشمه ۱۲ جمع فضیلت ۱۲
عبودیت بعرض بهره اندوزان معتقدان جناب فضیلت مآب میرساند از روزیکه تشریف تشریف بطرف

بندگی ۱۲
دولتخانه ارزانی فرموده اند اتفاق مطالعه کتب عربی نمی افتد مگر کتابهای فارسی مطالعه میکنند امیدوارست
که از قدوم سعادت لزوم دیدهٔ انتظار متعلمان را منور فرمانید که از درس علوم محروم نگردد هنگامهٔ
افاضت و افادت گرم باد مکتوب هفتم فیض بخشای علوم دینی و دنیوی سلامت آداب کورنشات

جمع علم ۱۲ فیض رسانی ۱۲
فدویانه بجا آورده معروض خدمت فیض درجت میگرداند بورود سرفرازنامهٔ سعادت فراوان و جمعیت
بیکران حاصل نمود وعدهٔ قدوم فیض لزوم بعد انقضای شهر رمضان المبارک بقلم فیض رقم آمده بود

گذشتن ۱۲
امیدوار توجها است که بموجب ارقام شریف تشریف ارزانی فرمایند سایهٔ سعادت پایهٔ آنحضرت دائما
بر سر معتقدان بسوط باد مکتوب هشتم مخزن علوم سبحانی و معدن فیوض یزدانی سلامت قواعد کورنشات

جای خزانه ۱۲
و شرائط تسلیمات بتقدیم رسانیده بعرض جناب بهره اندوزان حضور کمالات ظهور میرساند صحیفهٔ سعادت بخش
پرتو ورود افگند فوائد کونین و مقاصد دارین حاصل گردانید درباب طلب این کمترین تلمیذان ارشاد

دنیا و آخرت ۱۲
شده بود انشاء الله تعالی بعد یکهفته سعادت قدمبوس حاصل مینماید آفتاب هدایت تابان باد مکتوب نهم ۹

روشن ۱۲
کاشف علوم شریف واقف فنون لطیف حضرت میان جیو سلامت کمترین شاگردان فدویت آگین

ظاهر کننده ۱۲ یعنی تفسیر و حدیث ۱۲ خبردار ۱۲ مثل فن انشا و مشاعره ۱۲
شهاب الدین تسلیمات فدویانه و کورنشات شاگردانه بجا آورده معروض دانش اندوزان خدمت برکات
میگرداند در نیولا بورود نوازشنامه سرفراز نشده خاطر عقیدت مآثر متردد است امید از ذات ستوده صفات

ای بیقرار است ۱۲
آن دارد که باصدار کرامت صحائف مشتمل بر مژدهٔ خیریت ذات تسلی و طمانیت بخشند زیاده بجز آرزوی

جمع صحیفه بمعنی خط ۱۲ تسکین ۱۲
قدمبوس چه عرض نماید مکتوب دهم مولوی صاحب قبله و کعبه معتقدان سلامت لوازم بندگی و شرائط
سرافگندگی بجا آورده معروض رای ضیاضیای میگرداند از روزیکه جناب توجه آنصوب شده اند باصدار

آفتاب ۱۲ روشن ۱۲

عنایت نامجات یاد نفرموده موانع آن بجز خیریت انبساط خاطر امرے دیگر مباد توقع از توجهات بزرگانه آن دارد
کاز مژدهٔ ذات ملکی صفات اطلاع بخشند که جمعیت ظاهر و باطن بحصول پیوندد ظل عاطفت [مهربانی ۱۲] بر سر خادمان
مبسوط باد مکتوب یازدهم قبلهٔ حاجات دو جهانی و کعبهٔ مرادات جاودانی سلامت شرائط عبودیت [گشاده ۱۲]
و بندگی و ضوابط فدویت و سرافگندگی بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند ورود این حدود
مستوجب شکر ایزد بیچون نست و صحت و تندرستی ذات جامع الصفات از حضرت آفریدگار استدعا دارد
سرفراز نامهٔ سعادت آمود ورود فرمود مالامال خرمی و هزاران [جمع کننده ۱۲] جمعیت حاصل ساخت و آنکه تاکید برای
تحصیل علم در حق کمترین فرزندان [پسر ۱۲] در تحت قلم نوازش [بسیار ۱۲] [خوشی ۱۲] رقم شده بود سراسر سعادت و بهبود خود دانسته بنابر
اشتغال هنر در خدمت مولوی صاحب قبله حاضر میباشد ظل عاطفت آن مربی دو جهان [بهتری ۱۲] همیشه بر مفارق
فرزندان مبسوط باد مکتوب دوازدهم [۱۲] قبلهٔ کونین و کعبهٔ دارین منظله العالی مراتب کورنشات [برخی ۱۲] فدویانه بجا آورده
معروض خادمان جناب سعادت مآب قبله گاهی ولی نعمی جیو میرساند بورود نوازشنامهٔ شریف جمعیت تازه
و دولت بی اندازه حاصل نمود در باب ارسال خیمه و فرش وغیره اشیای همراهی که ارشاد شده بود
حسب الامر یک منزل خیمه و دو جفت شطرنجی بر چهکڑه بار کرده ارسال داشته و دیگر اشیای مطلوب همراه
مبارک خدمتگار از عقب [۱۲] روانه میسازد دولت جاودانی بهترین روزگار عالی باد مکتوب سیزدهم [۱۳] قبلهٔ آمال و
امانی خداوند نعمت ولی نعمی صاحب سلمه الله تعالی بعد تقدیم [پس ۱۲] [نزدیک ۱۲] شرائط عبودیت و آرزوی حصول سعادت
قدمبوس که عمدهٔ مقاصد کونین ست معروض رای عالی میگرداند حالات اینجا مالامال خیریت است و
مژدهٔ سلامتی ذات آن خداوند خدایگان روز و شب مستدعیست از خدمت عالی مرخص گشته در شکر ظفرپیکر
بندگان نواب عمدة الملک رسیده ملازمت خانصاحب داروغهٔ کچهری حاصل نمود خانصاحب [رخصت ۱۲] توجهات
قدیم مرعی فرموده امیدوار روزگار نموده اند انشاء الله تعالی وقتیکه بخدمتی منسوب خواهد شد بجناب عالی
اطلاع خواهد نمود زیاده چه عرض نماید مکتوب چهاردهم [۱۴] قبلهٔ صوری و معنوی کعبهٔ دینی و

دنیوی حضرت قبلہ گاہی جیو سلمہ اللہ تعالی آداب تسلیمات فرزندانہ و قواعد کورنشات فدویانہ
مؤدی (اے بجا آوردہ ۱۲) ساختہ بعرض عالی میرساند نوازشنامۂ سعادت آمود ورود فرمود سرفرازی بیکران (بیحد ۱۲) و جمعیت
فراوان (بسیار ۱۲) بخشید هنڈوی بمبلغ یکهزار پانصد روپیہ کہ مصحوب هوشمند خدمتگار بر دوکان گلاب رای ساهوکار
بلدۂ لکھنؤ عنایت شدہ بود مطابق ارشاد آن قبلہ گاہی دو جہان زر مذکور از دوکان ساهوکار مسطور بدست
آوردہ رسید هنڈوی مسطور حوالہ ساهوکار نمودہ شد ذات بابرکات دائما بر سر فرزندان سایہ گستر باد

مکتوب پانزدهم ۱۵ میانصاحب قبلہ خداوند خدایگان و کعبۂ مراد دو جہان سلامت بعد ادای آداب
فرزندی معروض میدارد احوال اینجا مقرون بحمد ایزدی است و مژدہ خیریت ذات بابرکات دمبدم از درگاہ
آلہی مسالت مینماید از روزیکہ متوجہ بسمت لشکر فیروزی (فتح ۱۲) اثر بندگان نواب صاحب قبلہ دام اقبالہ شدہ اند
باصدار تسلی نامجات یاد نفرمودند خاطر فدویان متردد (اے بیقرار است ۱۲) است لهذا اجو قاصد را رخصت نمودہ امیدوار است
کہ از مژدۂ خیریتہاے ذات والاصفات و حقیقت نوکری مفصل ارشاد فرمایند کہ جمعیت خاطر بحصول انجامد (اے حاصل شود ۱۲) عمر و
دولت در تزاید (زیادتی ۱۲) باد

مکتوب شانزدهم ۱۶ عمو صاحب قبلہ خدایگان سلامت آداب عبودیت و بندگی بجا آوردہ
التماس میدارد عنایت نامہ پرتو ورود افگندہ جمعیت بی انتہا بخشید در باب طلب فدوی ارقام نمودہ بودند خواستہ
بود کہ بموجب ارقام شریف خود را فی الفور روانہ خدمت عالی نماید لیکن بسبب بعضی کارهای ضروری توقف نمود
انشاء اللہ تعالی بعد دو سہ روز از امور مرجوعہ فراغت نمودہ نعمت ملازمت حاصل مینماید سایۂ عاطفت آن
مربی دو جہان مدام بر سر فرزندان مبسوط باد

مکتوب هفتدهم ۱۷ عمو صاحب خدایگان مربی دو جہان سلامت
لوازم فدویت و سرافگندگی بجا آوردہ معروض میدارد دیرست کہ بورود الطاف رقائم (جمع رقیمہ بمعنی خط ۱۲) جمعیت اندوز
نشدہ امید از اشفاق مربیانہ آنست کہ برخلاف ماضی (اے زمانہ گذشتہ ۱۲) از صدور عنایت نامجات ممتاز میفرمودہ باشند کہ
جمعیت ظاهر و باطن از آنست یک حقہ بدری فرشی برای آن خدایگان ارسال نمودہ منتظر فیض اثر خواهد
گذشت مقبول خاطر گرامی خواهد بود زیادہ بجز بندگی چہ عرض نماید

مکتوب هیجدهم ۱۸ خداوند فیض رسان امیدگاہ

دو جهان سلامت بعد تقدیم شرائط بندگی و آرزوی حصول سعادت ملازمت که خلاصهٔ مقاصد ست
معروض خدمت فیضدرجت میگرداند مبلغ پانصد روپیه برای خرید یک راس اسپ ترکی بدست سیو کرام
خانساماں مرحمت شده بود حسب الامر به نخاس رفته اسپان را ملاحظه نموده یک راس اسپ ترکی جوان و راهوار
قابل سواری آن خدایگان بقیمت مبلغ پانصد و پنجاه روپیه مقرر نموده پنجاه روپیه دیگر عنایت شود که اسپ مذکور
خریده ارسال نماید عنان (فرستادن ۱۲) سمند مقصود در قبضهٔ آرزوی خادمان باد مکتوب نوزدهم (۱۹) بعمو صاحب قبلهٔ فیاض زمان
سلامت بعد تقدیم شرائط فدویت (بالکسر ۱۲ گام) و لوازم تسلیم عبودیت معروض میگرداند احوال این محال مقرون بحمد
ایزد متعال ست و مژدهٔ تندرستی ذات و الاصفات دائما مطلوب نوازشنامه مع یک چیره دفوطه گجراتی
ورود فرمود نشاط و جمعیت بی انتها حاصل گردید او سبحانه تعالی آن مربی دو جهان را دیرگاه سلامت (با کرامت ۱۲ کمربند)
دارد از زیاده چه عرض نماید مکتوب بیستم (۲۰) قبلهٔ آمال و امانی سلامت فدوی مراسم آداب کورنشات و
بندگی بجا آورده معروض میدارد عاطفت نامهٔ مشتمل بر طلب (امید ۱۲ آرزو ۱۲) یک شیشه گلاب در کمال انتظار شرف ورود
فرمود مغز ساخت مطابق ایمای شریف شیشهٔ گلاب و آتشه ارسال داشته اگر دیگر مطلوب باشد ارقام خواهند
فرمود که سعادت خود دانسته ارسال خواهد داشت زیاده چه التماس نماید مکتوب بست و یکم (۲۱) اخوان صاحب
قبلهٔ فیضرسان سلامت بعد تقدیم آداب بندگی معروض بخدمت بهره اندوزان حضور میرساند عنایتنامه
ورود فرمود هزاران خرمی و جمعیت حاصل گردید اراده لشکر ظفر پیکر بندگان نواب صاحب فیروز جنگ
ارقام فرموده بودند حقتعالی در همه جا و همه حال حافظ و ناصر بود بمطالب دلخواه فائز گرداناد و امید از الطاف
مربیانه آنست که بمجرد رسیدن لشکر خبر خیریت اثر بدست آیندگان انصوب نگارش خواهند فرمود که
تسلی ظاهر و باطن از آنست زیاده دولت جاوید روزی باد مکتوب بست و دوم (۲۲) بهائی صاحب
قبله خداوند خدایگان سلامت مراتب فدویت و بندگی بجا آورده التماس میدارد که احوال اینجا مقرون
بحمد ست و مژدهٔ صحت و سلامتی ذات بابرکات علی الدوام از درگاه آلهی استدعا دارد و سابق (نزدیک ۱۲)

در مقدمهٔ شادی برخوردار سعادتمند ڈالچند نجانه صاحب (رائے) ساکن قصبهٔ علی نگر بخدمت گرامی التماس
نموده بود اگر خود بدولت قبول فرمانید رسوم نسبت بظهور آید قاصد را محض برای این کار فرستاده شد
امید که زود جواب عرضی مرحمت فرمانید جمعیت دائما ازدیاد باد مکتوب بست وسوم ۲۳ دادا
صاحب خدایگان مربی فیضرسان سلامت شرائط بندگی وعبودیت بجا آورده معروض میرساند
سوانح این نواحی (اطراف) مستوجب شکر آلهی است ونوید سلامتی ذات مبارک آنخدایگان روز وشب از حضرت
(جمع سانحه بمعنی چیزیکه ظاهر شود کسی را ۱۲)
صمدیت مسالت مینماید صحیفهٔ اشفاق پرتو ورود افگند جمعیت وانشراح وافر بخشید مبلغ دوصد روپیه جهت خرید
(بے نیاز ۱۲) (کشادگی ۱۲)
پارچه عنایت شده بود بموجب ارقام شریف پارچه خرید کرده فرستاده شد تعداد تهانها وتفصیل قیمت از فرد علیحده
روشن وهویدا خواهد شد زیاده چه عرض نماید مکتوب بست وچهارم ۲۴ دادا صاحب قبله ودوجهان سلامت
بعد تقدیم شرائط بندگی التماس میدارد تلطف نامه درود فرموده مغزز وممتاز ساخت درباب گذرانیدن
عرضی بجناب میر صاحب قبله وحصول جواب امر شده بود مطابق فرمودهٔ شریف عرضی گذرانیده جواب
(موافق ۱۲)
حاصل نموده ارسال داشته همیشه امیدوار ارشاد خدمات هست عمر ودولت درتزائد باد مکتوب
(زیادتی ۱۲)
بست وپنجم ۲۵ بهائی صاحب خدایگان پشت پناه برادران سلامت مراتب بندگی وغلامی بتقدیم
رسانیده معروض میدارد دریں روزها باصدار عنایت نامجات یاد نفرمودند خاطر فدوی متردد است امید
از توجهات مربیانه آن دارد که از روداد خیریت نهاد ارشاد فرمانید که تسلی ظاهر وباطن بحصول پیوندد ونیز زریکه
سابق برای خرچ خانه عنایت شده بود بخرچ درآمد امیدوار است که چیزی خرچ دیگر مرحمت شود زیاده چه
التماس نماید مکتوب بست وششم ۲۶ خالو صاحب قبلهٔ خدایگان فیض بخش وفیضرسان سلامت بعد تقدیم
بندگی که وظیفهٔ مستمندان است معروض رای خورشید ضیای میگرداند حالا طفت نامهٔ شفقت آمود عز ورود
فرمود جمعیت فراوان ونشاط بی پایان حاصل گردید مبلغ پانصد روپیه که ازراه توجهات مربیانه عنایت شده
بود رسید هزاران جمعیت وفارغ البالی بخشید حق تعالی آن مربی فیضرسان را تا دیرگاه بر سر فدویان سلامت

داراد زیاده بجز شکر توجهات چه عرض نماید ۲۷ مکتوب بست و هفتم ماموں صاحب قبله خدایگان تکیه گاه
بیکسان سلامت شرائط عبودیت و بندگی بجا آورده التماس میدارد درست که بورود عنایت صحائف
ممتاز نگردید از توجهات مربیانه بسی بعید نموده امید از عاطفت بیکران آنست که برخلاف ایام گذشته
باصدار عنایت نامجات یاد و شاد میفرموده باشند که تسلی و تقویت ظاهر و باطن از انست دولت و اقبال
در تزائد باد ۲۸ مکتوب بست و هشتم ماموں صاحب قبله آمال و آمانی سلامت بعد تقدیم مراتب عبودیت
بعرض خدمت فیضدرجت میرساند نوازشنامه مشتمل بر طلب فدوی شرف اصدار یافت معزز و ممتاز فرموده
خواسته بود که بموجب امر شریف خود را بهره اندوز خدمت گرامی سازد لیکن بسبب بارش باران و کثرت آب و
خلاب راه توقف راه نموده وقتیکه بارش فرصت میدهد و راه خشک می شود زود بسعادت ملازمت فائز خواهد شد
ذات بابرکات دائما بر سر فدویان سایه گستر باد ۲۹ مکتوب بست و نهم ماموں صاحب قبله خدایگان فیض بخشای
مستمندان سلامت لوازم فدویت و بندگی که موجب سعادت ابدیست بتقدیم رسانیده التماس میدارد
سابق امر شده بود که در ماه بیساکه قاصد مع خرچ خواهد رسید چون وعده منقضی شده ناچار بعد انتظار بسیار
قاصد را سه روپیه اجره مقرر نمود روانه کرده امیدوار هست که بدست قاصد هر چه در خاطر مبارک بیاید برای
خرچ عنایت فرمایند زیاده چه عرض نماید ۳۰ مکتوب سی ام ماموں صاحب قبله فیضرسان بیکسان سلامت
آداب عبودیت بجا آورده التماس مینماید که فدوی از چهار ماه معطل در خانه نشسته است اگر در سرکار دولتمدار
نواب نامدار گنجائش روزگار باشد یکقطعه پروانه بمهر خاص حاصل نموده عنایت سازند که ساز و سرانجام طیار کرده
خود را بلشکر ظفر پیکر رساند زیاده چه التماس نماید ۳۱ مکتوب سی و یکم غریب پرور سلامت از جناب عالے
رخصت یافته در پرگنه رحیم نگر رسید احوال پرگنه دریافت نمود بسبب سختی عامل سابق رعایای پرگنه پریشان و
فرار شده بودند همه را تسلی و دلاسا نموده آباد کرده ام چون هنگام تردد است و در اکثر دهیات نرگاوان
و غله نیست که تردد کشتکاری نمایند لهذا امیدوار از فضل و کرم است که مبلغ پانصد روپیه از سرکار عنایت شوند

که تقاوی داده تردد کنانیده جمع سرکار مع تقاوی و باقی حصول نماید واجب بود بعرض رسانید مکتوب سی و دوم ۳۲ غریب پرور سلامت پروانهٔ کرامت نشانه در باب ارسال خزانه ورود فرمود سعادت و سرفرازی بخشید مطابق ارشاد مبلغ پنجهزار روپیه که موجود بود همراه میر سلطان علی وغیره سواران برادری میر فیض الله ارسال نموده اغلب که داخل خزانهٔ سرکار خواهد شد امیدوار فضل و کرم است که بمتصدیان امر شود که داخله زرهای مرسله حواله سواران مسطور نموده زود رخصت نمایند انشاء الله تعالی از عقب خزانهٔ معقول سرانجام نموده ارسال میدارد واجب بود بعرض رسانید مکتوب سی و سوم ۳۳ غریب پرور سلامت رعایای اکثر دهات این پرگنه باقی سرکار بر ذمهٔ خود گرفته در پرگنهٔ دولت آباد علاقهٔ میرزا انور بیگ سکونت گرفته اند هر چند که فدوی دو سه مرتبه بخدمت میرزا اندکور برای آسامیان فراری نوشته لیکن میرزا مسطور متوجه نمیشوند و نظر بر کار سرکار و اخذ زر نمیکنند امیدوار فضل و کرم است که یک قطعه پروانه بنام مشار الیه مصحوب چپلهٔ سرکار صادر شود که اسامیان زر حوالهٔ کسان فدوی نمایند که بجای خود آمده آباد شده در سرانجام زر باقی و تمود آینده مشغول باشند واجب بود بعرض رسانید مکتوب سی و چهارم ۳۴ غریب پرور سلامت دستک پنج سوار کله پوش بنام غلام درباره طلب زر باقی سال گذشته تعین شده غلام روبرو عرض کرده بود که این زر در سه سال سرانجام خواهد شد امیدوار فضل و کرم است که دستک سواران برطرف شود باقبال عالی آنچه امسال سرانجام خواهد یافت قصور نخواهد شد و تتمه در دو سال بیباق خواهد نمود و غلام (پای باقی ۱۲) دو لقمه فرمانبردار سرکار است هرگز در شرائط فرمانبرداری و مالگزاری تقصیر نخواهد کرد واجب بود بعرض رسانید عمر و دولت در تزائد باد مکتوب سی و پنجم ۳۵ غریب پرور سلامت بود و پروانهٔ سعادت آمود سرافرازی و ممتازی حاصل نمود در باب طلب فدوی مع خزانه حکم شده بود چه غلام در تدابیر فراهم آوردن زر مقید است انشاء الله تعالی در عرصهٔ یک هفته زر جمع نموده سعادت ملازمت حاصل مینماید امیدوار است که بمتصدیان حضور امر شود که تا رسیدن غلام از دستک و سزاولان معاف دارند واجب بود بعرض رسانید مکتوب سی و ششم ۳۶ خان صاحب قبله خداوند نعمت و جهان سلامت آداب عبودیت و فرمانبرداری بجا آورده بعرض خادمان جناب فیضمآب می رساند نوازشنامهٔ سعادت آمود رسید باعث

سرفرازی و بنده نوازی گردید در باب ارسال خزانه و تقید تحصیل زر امر شده بود بنده نواز از زریکه تحصیل شده بود
دیروز مع خرم بیگ وغیره سواران حضوری ارسال داشته یقین است که داخل فوطه خانهٔ سرکار شده باشد
و از تاکید تحصیل زر یک ساعت غافل نیست و باقبال عالی زر سرکار بروقت تحصیل نموده متواتر ارسال حضور
میدارد واجب بود بعرض رسانید مکتوب سی و هفتم ۳۷ خانصاحب قبلهٔ خدایگان فیضرسان سلامت درین
ایام فرخنده فرجام بگوش دعاگویان مستهام رسیده که خدمت چکله داری پرگنات علی نگر بنام نامی حضور
فیض گنجور بندگان نواب مستطاب مقرر گشته خدا میداند که از استماع این خبر فرحت اثر چندان انشراح خاطر
و جمعیت ظاهر و باطن بحصول پیوست که بیان آن داستان و راز ست او سبحانه تعالی مبارک و فرخنده
ساخته دولت روز بروز افزون گرداناد امیدوار توجهات است که فدوی را یکی از دولتخواهان قدیم تصور نموده
همیشه باصدار سرفرازنامجات جزو کل ضروریات ممتاز میفرموده باشند دولت و اقبال فزون باد مکتوب
سی و هشتم ۳۸ خانصاحب خدایگان فیضرسان سلامت لوازم بندگی بجا آورده التماس میدارد ورود الطاف صحیفه خیلی (دولت ۱۲)
جمعیت و انبساط حاصل نمود در باب گذرانیدن عرضی و دستخط شدن موافق استدعای شریف ایما شده بود (بسیار ۱۲)
مطابق ارقام گرامی هنگام خلوت عرضی را بنظر مبارک خانصاحب قبله مدظله گذرانیده بحسب آرزوی (اراده ۱۲)
آن فیضرسان مزین بدستخط کنانیده ملفوف عریضه ارسال داشته شد امیدوار توجهات است که مخلص را یکی (موافق ۱۲)
از ملازمان دولتخواه تصور فرموده بارشاد خدمات لائقه مغرز میفرموده باشند که سرانجام آن سعادت دارین (زینت داده ۱۲ — پیچیده ۱۲)
پندارد عمر و دولت در تزاید باد مکتوب سی و نهم ۳۹ میرزا صاحب خدایگان مربی فیضرسان سلامت سرفرازنامه (دنیا و آخرت ۱۲ — عزت داده شده ۱۲)
متضمن بر طلب زر ورود فرموده اعزاز و امتیاز بخشیده بنده نواز اهلی پنجهزار روپیه در پرگنه از جمع سال تمام (پرورش کننده ۱۲ — شامل ۱۲)
باقی است و هنگام تردد آینده در پیش آمده اگر درینوقت زر از رعایا طلب کند خلل در تردد آینده میشود (مراد از کشتکاری ۱۲)
صلاح دولت آنست که ده پانزده روز را مهلت شود انشاءالله تعالی درین عرصه از تردد خاطر جمع کرده
باقی زر سرکار تا آخر این ماه وصول نموده ارسال خواهد داشت واجب بود بعرض رسانید مکتوب چهلم ۴۰

میرزا صاحب قبلهٔ خداوند فیض رسان سلامت مراتب عبودیت و بندگی بجا آورده بعرض سعادت اندوزان جناب فیضمآب میرساند در رود نوازشنامهٔ فیض آمود باعث سرفرازی گردید در طلب نهالهای نارنگی و شفتالو امر شده بود بنده نوازا باغبان سرکار را حکم شود که در باغچهٔ فدوی رسیده هر قدر نهالهای مطلوبه خواهد کند بیده برد امیدوار توجهات است که همیشه بارشاد خدمات ممتاز میشده باشد الٰهی شجرهٔ دولت بثمرهٔ مراد بار و بار باد

مکتوب چهل و یکم ٤١ میرزا صاحب قبله و کعبهٔ مراد دو جهان سلامت آداب و تسلیمات خادمانه بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند ایام دراز منقضی گشته که این مهجور الخدمت بیاد عالی نگذشت از توجهات بزرگانه امیدوار است که باصدار تسلی نامجات متواتر بهره مند و کامیاب میشده باشد در نولاد و تهان چهینٹ اکبرآبادی شخصی برای بنده فرستاده بود بنده قابل سرکار دانسته ابلاغ خدمت نموده امیدوار است که درجهٔ پذیرائی یابد زیاده حد ادب

مکتوب چهل و دوم ٤٢ میر صاحب قبلهٔ خدایگان سلامت مراتب بندگی تبقدیم رسانیده معروض خدمت فیض درجت میگرداند ورود عنایت نامه موجب حصول جمعیت امتیاز تازه گردید درباره طلب زمیندار موضع کهمی پرکه حاضر ضامنی سکهداس زمیندار پرگنه دولت نگر نوشته امر شده بود خدایگان من زمیندار مسطور ظاهر مینماید که سکهداس را در مالهٔ ساڑهٔ کچهری حاضر کرده از ضامنی بری الذمه شدم لیکن متصدیان بعلت طمع تمسک را از دفتر جدا نکرده اند درینباب هرچه امر شود بعمل آوردن واجب بود بعرض رسانید

مکتوب چهل و سوم ٤٣ میر صاحب خدایگان فیاض زمان سلامت شرائط بندگی و خدمتگزاری بجا آورده ملتمس میشود مرحمت صحیفه پرتو درود افگند بهره مند سعادت اندوز گردانید درباب جاگیر بهیا گلاب رای منشی تعلیم آمده بود حسب ارقام شریف تا مقدور خود در خدمت منشی مشار الیه قصور نخواهد شد همیشه امیدوار ارشاد خدمت است واجب بود بعرض رسانید

مکتوب چهل و چهارم ٤٤ میر صاحب خدایگان فریادرس دادخواهان سلامت قواعد عبودیت و بندگی بجا آورده التماس مینماید رعایای موضع فریدنگر علاقه فدوی دادخواه هستند که عامل پرگنه دولت آباد بموجب آزار بحال آنها میرساند از ذات بابرکات که دادگستر و رعیت پرور است امیدوار است که یک قطعه پروانه بنام عامل مذکور عنایت شود که باعث آزار رسانی رعایای موضع مذکور نشود خورشید اقبال و اجلال دائماً تابان باد

مکتوب چهل و پنجم ٤٥

شیخ صاحب قبله خداوند خدایگان سلامت سرفراز نامه متضمن بر طلب کهاران جهت پالکی سرکار در ورود فرمود سرفراز
بخشید حسب الامر ده نفر کهاران بدر ماهه پنج روپیه فی نفر مقرر نموده روانه ساخته همیشه امیدوار صدار عنایت صحائف
میباشد دولت و اجلال و ایام مزید باد ۴۶ مکتوب چهل و ششم شیخصاحب فیضرسان سلامت بعد گزارش لوازم
بندگی و تمنای خدمت شریف التماس میدارد که زمینداران موضع رامنگر را مبلغ پانصد روپیه از گلاب رای
مهاجن بموجب فرموده آن فیض رسان بوعده ماه کنوار بطریق تقاوی ها تیده بودم چنانچه ماه اگهن هم آخر شد زمینداران
مذکور زر بمهاجن نرسانیدند و مهاجن مسطور از بنده تقاضای شدید میدارد لهذا تصدیعه داده می آید که زمینداران را
تاکید فرمانید که زر مهاجن مع سود ادا سازند که آینده راسلوک داد و ستد جاری باشد زیاده جمعیت و کامرانی باد
۴۷ مکتوب چهل و هفتم شیخصاحب سراپا لطف و احسان سلامت بعد اظهار شرائط عبودیت و آرزوی حصول نعمت
ملازمت معروض میدارد ورود الطاف نامه عاطفت آمود سرفرازی و جمعیت و خرمی حاصل گردید از راه توجهات در
مقدمات خیرخواه بموجب التماس وکیل در باره تعلیم اتفاق رقم آمده بود موبمو مزین عاطفت سامی گردید بنده بدر بار آن فرات
ستوده صفات را مربی خود میداند توقع بسر انجام کارهای ربار از دستگیری شریف همین دارد و سبحانه تعالی این
خوبی و بزرگی تا دیرگاه سلامت داشته بمراتب لاائقه دلخواه رساند خیرخواه را از خود تصور فرموده با صدار عنایت نامجات مع
خدمات لاائقه ممتاز میکرده باشند دولت و اقبال بزیر وان باد ۴۸ مکتوب چهل و هشتم شیخصاحب خدایگان منبع الجود و الاحسان
سلامت قواعد بندگی و مراتب عبودیت و مستمندی بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند از نوشته اخوی میر فیض الله
دریافت شده که بزرگان نوابصاحب دام اقباله دوصد سوار دیگر در رساله شریف اضافه فرموده اند آن صاحب در
تلاش سواران هستند باستماع اینخبر خیلی بهجت و جمعیت حاصل گردید چون برخوردار قدرت الله معطل در خانه نشسته است
لهذا التماس می نماید که هر قدر سواران که ارشاد شود همراه برخوردار مذکور روانه خدمت گرامی نماید که شرائط بندگی
بجا آورده سعادت دارین حاصل سازد زیاده جمعیت و اقبال و ایام در ترقی باد ۴۹ مکتوب چهل و نهم شیخصاحب با فیض رسان
بیکسان سلامت بعد تقدیم نیازمندی مشهود ضمیر فیض تصویر میگرداند سابق زبانی وکیل در بار فرموده بودند

که اگر مخلص کدام دیه از علاقهٔ شریف بطریق تعهد استدعا نماید دریغ نخواهد بود در نیولا که هیچ شغل در پیش نیست
میخواهد که موضع کریم پور راتر دو کنانیده زر سرکار سرانجام نماید وقت [افسوس ۱۲] قدری زمین برای وجه قوت متعلقان علیحده از جمع
سرکار کشتکاری کناند امیدوار دستگیری مشفقانه است که پته موضع مسطور بجمع سال گذشته عنایت شود که بموجب آن قبولیت نوشته
حوالهٔ وکیل نماید و زر قبولیت بلاعذر داسا نموده زیاده چه التماس نماید مکتوب پنجاهم [۵۰] دیوان صاحب قبلهٔ خدایگان کرمی
فیض رسان سلامت لوازم عبودیت بتقدیم رسانید معروض رای مهر انجلای میگرداند مبلغ پنجهزار روپیه از تعلقهٔ بنده معرفت
فتح چند وکیل داخل فوطه خانه سرکار شده متصدیان کچهری در دادن داخله تغافل مینمایند امید از توجهات بزرگانه آن دارد
که متصدیان تاکید شود که داخلهٔ زر مذکور حوالهٔ وکیل نمایند و بنده را در خدمت سامی [غفلت ۱۲] بندگی قدیم است شایسته آنست که اگر
کار دیگر کسی در پیش آید بلاتوقف از کچهری بر آورده دهد نه اینکه برای کار خود ملتجی و منتظر باشد آینده بخلاف گذشته متوقع
بمطالب و نخواه است دولت و کامرانی جاودانی باد مکتوب پنجاه و یکم [۵۱] دیوان صاحب دستگیر درماندگان و بیکسان
سلامت شرائط قدمبیت و نیازمندی بجا آورده معروض خدمت سراپا برکت میگرداند استماع یافته که خدمت پیشکاری
پرگنه فیروزآباد وغیره از حضور عالی متعالی بنام نامی صاحبزادهٔ بلند اقبال مقرر شد ازین خبر [شنیدن ۱۲] نهایت انشراح [گشادگی ۱۲] خاطر و
باطن بحصول پیوست چون بنده زاده از چهار ماه بیکار معطل است لهذا آستانهٔ دولت او دولتخانه خود دانسته التجا آورده که
اگر فرمان مهر خاص درباره روزگار سیوکرام بنام صاحبزاده عنایت شود غایت بنده نوازیست مراتب اقبال
و ترقی باد مکتوب پنجاه و دوم [۵۲] دیوان صاحب مشفق قدردان فیض رسان سلامت بعد اظهار مراسم بندگی و
آرزوی خدمت شریف التماس میدارد عنایت نامه مشتمل طلب بست تهان گزی جهت خیمه شرف ورود فرموده
موجب جمعیت و افزوده گردید موافق فرموده سائی لال را طلب داشته قدری نجوالهٔ نموده تاکید لواقعی کرده که بزودی فراهم آرد
انشاءالله تعالی از عقب تهانهای گزی جمع کرانده بگرامی خدمت ارسال [چنانچه باید ۱۲] خواهد داشت بنده را از خود دانسته بارشاد خدمت
معزز میفرموده باشند زیاده چه التماس نماید مکتوب پنجاه و سوم [۵۳] دیوان صاحب مشفق [ازبس ۱۲] فیض رسان مستمندان سلامت لوازم بندگی بتقدیم
رسانیده مشهود ضمیر فیض تصویر میگرداند سابق پروانهٔ تنخواه مبلغ پنجهزار روپیه بنام [عزت داده شده ۱۲] میرزا معظم بیگ خان علاقهٔ بنده صادر شده بود

چنانچه فدوی از تنخواه دار وعده کرده در تدبیر ادای زر مقید است و از نوشته وکیل دربار معلوم شد که دیگر
پروانه تنخواه سه هزار روپیه بنام شیخ دوست محمد بر علاقه بنده طیار میشود چون هنوز تنخواه سابق بیباق نشده و هنگام
تحصیل نیست امید از دستگیری مهربانه آنکه تنخواه شیخ مسطور بجای دیگر فرمایند که از تقاضای مردمان سپاه عهده برائی
میتواند شد زیاده چه عرض نماید مکتوب پنجاه و چهارم دیوان صاحب قبله فیض رسان سلامت مراتب عبودیت و بندگی
بجا آورده معروض خدمت فیض منزلت میگرداند تعلقه راجه پور را شخصی بجمع سالگذشته میخواهد و مبلغ پانصد روپیه
نذرانه آن فیض رسان قبول میکند چون مکان بی تردوست از تعهد تردد هم میشود و زر سرکار هم بلا خرچ سه بندی
سرانجام میباید اگر این معنی صورت بندد بهتر است مخلص برای دولت خواهی التماس نمود ظل دولت ممدود باد
مکتوب پنجاه و پنجم لاله صاحب قبله فیض رسان سلامت شرائط عبودیت و نیازمندی بجا آورده معروض رای فیض پیرای
میگرداند باستماع مژده (خوشخبری ۱۲) تفویض خدمت توشکخانه سرکار دولتمدار نواب فلک جناب بذات والا صفات جمعیت
بی اندازه حاصل گردید او سبحانه تعالی مبارک و فرخنده گرداناد و بنده بدستور برفاقت شیخ صاحب فیض رسان
در رحیم نگر استقامت میدارد امیدوار فضل و کرم است که مخلص را از وابستگان خود تصور فرموده باصدار
عنایت نامجات مفتخر و ممتاز میفرموده باشند زیاده جمعیت و مراتب باد مکتوب پنجاه و ششم خانصاحب
قبله فیض رسان سلامت بعد اظهار مراسم فدویت و نیازمندی بخدمت سراپا سعادت التماس میدارد که میر فیض الله
ائمه دار قصبه جلال آباد برای طیاری پروانه معافی ویه ائمه خود بحضور فیض گنجور میرسد از انجا که خدمت این طائفه
عالیه مستوجب سعادت عظمی است لهذا التماس میدارد که هر قدر توجهات در باره حصول مطلب میر صاحب مبذول خواهد
شد نیازمند مرهون منت و زیر بار احسان شریف خواهد گردید و حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم مولد غنیمت
خیر الناس من ینفع الناس (بهترین مردمان کسی است که منفعت رساند مردم را ۱۲) او سبحانه تعالی ترقی عمر و دولت مزید (زیاده ۱۲) گرداناد مکتوب پنجاه و هفتم لاله صاحب مهربان
فیض رسان سلامت بعد ابراز مراتب بندگی و نیاز التماس میدارد از نوشته گلاب رای وکیل دریافت شد
متصدیان کچهری بدون حق التحریر پروانه افزود داخله نشانی نمیکنند لهذا متصدع خدمت گرامی میشود که هر چه محرر متصدیان

از وکیل استدعا نمانید از گماشتهای دکان نسارام ساهوکار بدهانند که داخله باطیار شده نزد مخلص برسند
انشاء الله تعالی زر مذکور بعد یکماه رسانیده خواهد شد زیاده چه برطراز د مکتوب پنجاه وهشتم [۵۸] لاله صاحب خدایگان
دستگیر درماندگان سلامت بعد تقدیم شرائط بندگی وتعظیم التماس میدارد شیخ بدرالدین بعلت بالضامنی میر قدرت الله
در بندیخانه محبوس شده اند همگی مبلغ دوصد روپیه بابت پټه عالمگیری منجمله بالضامنی قلعیت بابت شیخ مذکور میگوید که اگر خلاصی شود
در یکماه زر مذکور سرانجام کرده برسانم چون ذات جامع الحسنات در کار خیر بی احتیاج است لهذا عرض مینماید که بعرض
بندگان خانصاحب قبله مدظله رسانیده در انچه مخلصی مشار الیه شود توجه مشکور مبذول فرمانید درین صورت مخلص
منت عظمی خواهد شد الله تعالی نتیجه خیر کرامت گرداناد مکتوب پنجاه ونهم [۵۹] لاله صاحب مهربان ملجای غریبان وبیکسان
سلامت بعد گزارش مراسم بندگی که وظیفهٔ مستمند است ملتمس میشود اخلاص دستگاه میر قدرت الله سپاهی منتظر
ست از گردش زمانه افلاس تمام بحال او راه یافته بوسیلهٔ نیاز نامه عازم خدمت گرامی گردید ازانجا که او سبحانه تعالی
دستگاهی بخشیده باعث نفع خلائق گردانیده است اگر توجهی برحال مشار الیه مبذول شود از غربانوازی بعید
نخواهد بود زیاده جمعیت وخرمی باد **فصل دوم بطرف ادنی نویسند** مکتوب شصتم [۶۰] برخوردار نور چشم راحت جان
طول العمره همواره در حفظ حافظ حقیقی بوده از عمر وزندگانی بهره یاب باشند بعد دعوات مزید حیات مطالعه نمانید احوال اینجا
مستوجب شکر است وسلامتی آن نور چشم دائما مطلوب از روزیکه آمدن اینجانب در لشکر شده خبر خیریت آن برخوردار
نرسید خاطر بسیار متردد است لهذا قاصد را مع هنډوی مبلغ دوصد روپیه بدکان گلابرای ساهوکار متوطن بلده
فتحپور فرستاده شد لازم که زر مذکور از ساهوکار گرفته رسید نوشته بفرستند که خاطر جمع شود ودر تحصیل علم نیز سعی بلیغ
نمانید که سعادت دنیا وعقبی از انست زیاده چه مکتوب شصت ویکم [۶۱] برخوردار نور چشم سعادت اطوار کامگار طول العمره بعد ادعیه
وافیه شوق دیدار فرحت آثار مکشوف خاطر عزیز باد خط مسرت نمط مع خطوط عظیم آباد رسید باعث هزاران نشاط و
خرمی گردید حقیقت آمدن خود همراه شاه صاحب که نوشته بودند باید که هرگاه شاه صاحب روانه مکان متعلقه شوند
آن برخوردار نیز همراه شوند که در عالم نوکری طاعت ورضامندی آقا ضرورست بفضل الهی آن برخوردار خود دانا هستند

دریں باب احتیاج مبالغہ نیست زیادہ بجز شوق چہ نوشتہ آید مکتوب شصت و دوم برخوردار سعادت اطوار
خجستہ فال طول عمرہ بعد دعوات درازی حیات مطالعہ نمایند درین روزہا خط آن برخوردار رسید خاطر مسرور دوست
بنابران قاصد را مع مبلغ یکصد و پنجاہ روپیہ فرستادہ شد لازم کہ رسید مبلغ مرقوم بر نگارند و مبلغ پنج روپیہ منجملہ زر مرسولہ
مشیخت پناہ فضیلت دستگاہ شیخ عبد اللہ اخوند را خواہند داد و در نوشتن و خواندن نوعی سعی و دلسوزی شبا روزی بکار برند
کہ زود در فن انشا بہرہ وافی حاصل شود زیادہ عمر باد مکتوب شصت و سوم برخوردار سعادت آثار شائستہ کردار
طول عمرہ بعد دعای مزید حیات و ترقی درجات مطالعہ نمایند کہ احوال این نواحی بخیریست و خیریت آن برخوردار ہا
مطلوب از چندیکہ من در لشکر آمدہ ام خط آن برخوردار وصول نگردیدہ خاطر متردد است لہذا قاصد فرستادہ شد
لازم کہ از احوال خیریت اشتمال اطلاع دہند کہ خاطر را اطمانیت بہم رسد و در خواندن و نوشتن سعی موفور بکار برند
کہ سعادت کونین در تحصیل علم است ہر کہ غافل ماند جاہل ماند زیادہ والدعا مکتوب شصت و چہارم برخوردار نور الابصار
راحت القلوب عبد الکریم پیوستہ از عمر و زندگانی مالامال کامرانی باشند بعد ادعیہ وافیہ شوق دیدار راحت آثار مکشوف
خاطر باد خط مسرت نمط رسید باعث نشاط خاطر گردید از کیفیات خرچ کہ نوشتہ بودند ہنوز زر وجہ طلب از سرکار نیافتہ تا وقتیکہ
طلب از سرکار می برآید خرچ معقول خواہم فرستاد الحال مبلغ یکصد روپیہ از خزانچی سرکار بطریق قرض گرفتہ فرستادہ شد
لازم کہ بکار ضروری خرچ خواہند نمود و از تحصیل علم غافل نباشند کہ امتیاز و عزت مردم از ہنر است زیادہ علاوہ شوق
مکتوب شصت و پنجم برخوردار کامگار اقبال مند ہموارہ از عمر و دولت کامران و کامیاب باشند بعد دعای مزید حیات
و ترقی درجات مطالعہ نمایند خط مرسلہ وصول نمود باعث نشاط گردید از عنایت بندگان نواب صاحب قبلہ دام
اقبالہ بحال آن بلند اقبال عطای رسالہ پانصد سوار و یکہزار پیادہ جزایر انداز کہ بقلم آوردہ بودند ایزد سبحانہ تعالی
مبارک ساختہ روز بروز ترقی مراتب گرداناد و بنابر طلب سواران کہ نوشتہ بودند انشاء اللہ تعالی ہر قدر سواران کہ
بہم میرسند فرستادہ میشوند زیادہ جمعیت و کامرانی باد مکتوب شصت و ششم برخوردار سعادتمند قرۃ العین غلام حسین
طول عمرہ بعد دعای مزید حیات و شوق دیدار مسرت آثار واضح باد احوال اینجا بالفضل خدا مستوجب شکر است و سلامتی

آن نور چشم مطلوب دیر ست که از احوال آن کامگار اطلاع ندار دلهذا آدم فرستاده شد لازم که کوائف خود مشرح حاالقلم
آرند که خاطر جمع گردد یک قبضه کمان برای آن برخوردار فرستاده شد خواهد رسید باید که استعمال تیراندازی نمایند
که بکمانداری هنر برگست تیر آرزو بهدف مراد مقارب باد مکتوب شصت و هفتم برادر عزیز وافر تمیز سعادت آثار
همواره در حفظ حافظ حقیقی بوده کامیاب و شادکام باشند بعد دعوات مزید حیات و شوق دیدار مسرت آثار مکشوف خاطر عزیز باد
احوال اینجا مقرون بحمد است و سلامتی آن سعادتمند و مبدم از حضرت سبحانه تعالی مطلوب خط بهجت نمط وصول
نمود مالامال نشاط و خرمی ساخت برای قبول کردن شادی برخوردار ستوده خصال لاله رام دیال که نوشته بودند
اگر بصلاح مشفقه مکرمه والده ماجده در آید چه مضائقه مرا مرضی مبارک حضرت مخدومه بر همه چیز مقدم است زیاده والدعا
مکتوب شصت و هشتم برادر بجان برابر حمیده خصال لاله سکهه لال طال الله عمره بعد ادعیهٔ وافیه و شوق دید نهانی
مطالعه نمایند روید اد این نواحی مقرون بشکر الهی است و خیریتهای آن عزیز از جان دم اسما استدعا می دارد این جانب
بفضل الهی در سرکار خانصاحب غلام علیخان بدرماهه پنجاه روپیه بلاقصور نوکر شده انشاء الله تعالی بعد چندی خرچ معقول
فرستاده میشود باید که بخاطر جمع در تحصیل علوم سعی بکمال بکار برده از تحریر خیریتها منبسط دارند نسخه بهار دانش برای مطالعه
آن برادر بقیمت ده روپیه خریده فرستاده شد خواهد رسید زیاده والدعا مکتوب شصت و نهم برادر بجان برابر بلکه از
جان بهتر خوشتر لاله مرلی دهر در حفظ داور بوده از عمر و دولت بهره ور باشند بعد دعوات مزید حیات و شوق دیدار
بهجت آثار واضح باد روید اد این حدود بحمد رب المعبود شامل حال است و سلامتی آن ستوده صفات هر ساعت
خواهان است قریب بکسال میشود که اخوی بهوانی پرشاد را برای طلب آن برادر فرستاده بودم هیچ حال
بدریافت نیامد که بچه سبب در آمدن توقف کرده اند انتظار کشیده قاصد را فرستاده شد لازم که آنچه حقیقت برادر
کامگار باشد اطلاع دهند که خاطر جمع شود زیاده بجز شوق چه نویسد مکتوب هفتادم برادر کامگار شائسته
کردار طول العمره بعد دعای مزید حیات بهجت آیات مکشوف باد خط مسرت نمط رسید باعث نشاط خاطر
گردید برای رسیدن اینجانب جهت تشخیص مواضع بهوانی پور نوشته بودند برادر من اتفاق آمدن بنده

چندروز نمی افتد باید که شما باتفاق بهائی کنورسین جمع آنجا بموجب حال حاصل فیصل کرده از زمینداران قبولیت
بگیرند و از مهر خود پٹہ نوشته دهند که ساخته و پرداخته آن کامگار منظور است زیاده بجز شوق چه نوشته آید
مکتوب هفتاد و یکم برادر عزیز وافر تمیز شایسته کردار خجسته اطوار همواره خوشوقت و شادکام باشند بعد از دعای
مزید عمر و شوق دیدار راحت آثار مکشوف خاطر عزیز باد مسموع شد که آن سعادتمند دانش آموز بخدمت فضیلت و کمالات
دستگاه مولوی سید عبدالله جیو شروع تحصیل عربی نموده اند خدا امید اند که بشوق باطن آن کامگار طبیعت بنهایت
خرمی بهم رسید باید که سعی و دلسوزی تمام بکار برده علم صرف و نحو کما ینبغی یاد گیرند اگر علم منطق و معقولات تحصیل
نمایند اولی تر است والا این قدر برای علم فارسی ضروریست عالم الغیب بعلوم معاش و معاد فائز گرداناد ۰
مکتوب هفتاد و دوم عزیز القدر سیوک رام خوشوقت باشند خط مسرت افزای خاطر رسید خوشی و خرمی حاصل
گردید اراده خود که بتلاش روزگار بطرف عظیم آباد نوشته بودند درین روزها خدمت فوجداری پرگنات شاه آباد
وغیره از حضور عالی متعالی اینجانب را مقرر شده نیست اگر این مقدمه راست می آید خانه شماست چرا سفر دور و دراز
اختیار خواهند کرد و یکماه دیگر در خانه بگذارند انشاء الله تعالی همین جا نوکری میسر خواهد آمد زیاده چه نویسد مکتوب
هفتاد و سوم برادر عزیز القدر سعادتمند لاله ڈاچند محفوظ باشند بعد دعا و شوق آنکه یک راس اسپ ترکی در خانه رحیم خان
سوداگر بقیمت مبلغ پانصد روپیه فیصل شده است آن اسپ را نخواهم خرید لهذا نوشته میشود که آن عزیز القدر
زر قیمت را از دکان امیچند ساهوکار گرفته بمالک رسانیده اسپ را در اینجا بفرستند زیاده والدعا مکتوب هفتاد و چهارم
عزیز القدر شیخ مسعود بخیریت بوده باشند خط مرسله رسید بر حقیقت مندرجه اطلاع شد نوشته بودند که زمینداران چهارسی
زر نمیدهند دستک برای آنها از حضور تعیین شود مطابق نوشته شما میرزا محمد بیگ وغیره پنج سوار کله پوش را دستک فرستاده شد و
تقید بلیغ نموده شد که بسزاولی شدید زر باقی خریف الوصول آرند آن عزیز القدر زر موجودات را همراه گرفته خود را بحضور
رسانند که بعضی مقدمات تعلق بر و دارد زیاده چه مرقوم شود مکتوب هفتاد و پنجم عزیز القدر میر مظفر سلامت باشند خط مرسله
رسید بر حقیقت مندرجه مطلع شد برای فرستادن پیادهای تحصیل نوشته بودند شیخ مطلوب وغیره پنجاه نفر پیاده تعین

نموده شد باید که تا هنگام تحصیل نگاه دارند و یکصد روپیه ماه بماه طلبانه از مال میداده باشند وقتیکه تحصیل موقوف
شود پیاده ها را روانه حضور خواهند نمود زیاده چه نگارش رود مکتوب هفتاد و ششم سیادت و نجابت پناه
میر فیض الله در حفظ الٰهی باشند خط مرسله رسید حقیقت مندرجه آگاهی یافت از سرکشی زمینداران دیهات
موسات عدم ادای زر نوشته بودند بالفعل بتملق (چاپلوسی ۱۲) و چاپلوسی (چرب زبانی ۱۲) زر باید گرفت انشاء الله تعالی از تشخیص این محالات
فراغت کرده بآن ضلع میرسم و بدبختان را بسزا میرسانم زیاده چه مکتوب هفتاد و هفتم مشیخت پناه شیخ قدرت الله
محفوظ باشند سابق برای ارسال خزانه قلمی شده بود هنوز انتظار بهاست چون تاکید حضور در باب ارسال خزانه متواتر
میرسد لهذا القلم می آید که بمجرد رسیدن نوشته زر معقول فراهم آورده مرسول (فرستادن ۱۲) دارند و در صورت اهمال و سستی (فروگذاشتن ۱۲) خواهد رسید
زیاده چه تاکید رود مکتوب هفتاد و هشتم شجاعت و تهور (دلیری ۱۲) دستگاه دلاور خان در حفظ الٰهی باشند عرضی ایشان رسید
کوائف مندرجه معلوم شد وعدهٔ ارسال زر بتاریخ هفتم شهر حال نوشته بودند امروز و هم این ماه است تا حال زر
نرسید این قدر خلاف نویسی پسندیده نیست باید که بساعت رسیدن پروانه زر معقول ارسال دارند و آینده را
از این خلاف نویسی دست بردارند که در حق شما خوب نیست مکتوب هفتاد و نهم خصوصیت و اخلاص دستگاه
کشوری رای محفوظ باشند مسموع شد که زمینداران موضع رام گڈه از تالاب که بر سرحد آن دیه است زمینداران
چهمی پور را برای قطعات هیچ آب نمیدهند زراعت خشک میشود لهذا قلمی میگردد که بتحقیقات معقول پرداخته زمینداران
رام گڈه را تاکید نمایند که از معمول انحراف (ردگردانی ۱۲) نکنند زیاده چه نگارش رود

فصل سوم بطرف مساوی نویسد

مکتوب هشتادم میر صاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام خیریت انجام مشهود ضمیر منیر می گرداند
مهربانی نامه چهرهٔ وصول افروخته بر حقیقت خیریتهای سامی آگاهی داده متبهج و مسرور گردانید نوشته بودند که قیمت
اسپ ترکی از آن کمال خان بمبلغ پانصد روپیه فیصل شده است از این کم نمی شود چون اینجانب را اسپ ضرور در کار
است امید که آن مهربان اسپ از سوداگر در اینجا بیارند که زر حواله مالک نموده اسپ گرفته شود زیاده چه بر طراز د مکتوب
هشتاد و یکم شیخ صاحب مهربان مخلصان سلامت بعد سلام و شوق ملاقات مسرت آیات مکشوف رای گرامی

نموده می آید نامهٔ اخلاص آمود وصول نمود باعث نشاط وانبساط ما افزگردید یک حقه ونیچه که از راه مهربانی

خوشی

بدوستدار فرستاده بودند رسید بغایت خورسند گردانید او سبحانه تعالی انطمانه آباد و دولت زیاده گرداند مکتوب

هشتاد و دوم ۸۲ میرزا صاحب مهربان کرم فرمای نیازمند این سلامت بعد اظهار مراسم نیاز و آرزوی

حصول مواصلت تمام بهجت مشهود ضمیر اشفاق تصویر گردانیده می آید دیرست که از ارقام مهربانی نامهٔ منبسط

حاصل شدن ۱۲ ملاقات ۱۲ خوشی ۱۲ دل ۱۲

نساخته اند دل مشتاق منتظرست قاصد را برای دریافت خیریتها فرستاده شد ترصد که از مژدهٔ خیریت

ذات فرخنده صفات و روئیداد لشکر ظفر پیکر مفصل اطلاع دهند که خاطر جمع شود زیاده بجز شوق چه نویسد

فتح ۱۲ شکل ۱۲

مکتوب هشتاد و سوم ۸۳ خانصاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام و آرزوی ملاقات سامی مشهود رای

عاطفت افزای میگرداند مهربانی نامه ورود نمود نشاط وافر بخشید ارادهٔ لشکر فیروزی اثر بتاریخ هفتم شهر

مهربانی ۱۲ رسید ۱۲

حال و طلب یک مهار شتر جهت باربرداری نوشته بودند مهربان من دو روز است که میر فتح علی شتر را بنابر

برات پسر خود برده اند والا شتر از آن آنصاحب است دیگر هرچه مطلوب باشد بی تکلف اطلاع دهند که در

ملکیت ۱۲

ابلاغ آن هرگز قصور نخواهد شد ایام جمعیت و شادمانی مستدام باد مکتوب هشتاد و چهارم ۸۴ میر صاحب

رسانیدن ۱۲

قدردان سلامت بعد تقدیم سلام و نیاز و آرزوی گرامی خدمت مشهود ضمیر منیر نموده می آید بوصول الطاف

بزرگ ۱۲ ظاهر ۱۲ رسیدن ۱۲

صحیفهٔ مشمول بهجت و خرمی گردید بتاریخ شانزدهم ربیع الآخر شادی کتخدائی میر فتح علی و طلب سرانجام

شامل کرده شده ۱۲

نوشته بودند صاحب من هرچه در خانه خیرخواه است از خود تصور نمایند هرگاه که دو سه روز تاریخ برات

باقیماند کسی آدم معتبر روانه خواهند نمود حوالهٔ آن کرده خواهد شد زیاده شادمانی و کامرانی باد مکتوب

ای مقصد ۱۲

هشتاد و پنجم ۸۵ خانصاحب مهربان توجه فرمای مخلصان سلامت بعد سلام خیریت انجام و تمنای دریافت

سامی مواصلت مکشوف رای عاطفت فرمای گردانیده می آید امسال در باغ دوستدار درختان ترنج

بلند ۱۲ ملاقات ۱۲

باربنیاورده اند در نیولا یکصد ترنج برای دوا مطلوب است اگر در باغ شریف باشند البته عنایت فرمایند

شجرهٔ مراد بارور باد مکتوب هشتاد و ششم ۸۶ لاله صاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام و آرزوی

ملاقات مسرت آیات مشهود ضمیر منیر گردیده می آید مدتیست که از تحریر احوال خیر مآل منشرح و فارغ البال

جمع آیت ۱۲ بمعنی آن کی ای مدت دراز ۱۲ انجام ۱۲

نساختند انقباض خاطر بدرجهٔ کمال رسید امید از مهربانیهای دیرین آنداردکه اینقدر فراموشی از یاد خیر عنوان

بستگی ۱۲

در عالم یگانگی روانه داشته آینده بر خلاف ماضی از ارقام احوال خیر مآل منبسط باید داشت شیخ پیر محمد بار اده چاکری

بهره اندوز خدمت سامی میشوند ازانجاکه خدمت این طائفه عالیه موجب سعادت دارین است اگر در سرکار

گروه ۱۲ برتر ۱۲

خانصاحب گنجائش روزگار باشد دریغ توجه نباید داشت زیاده چه برطراز د مکتوب هشتاد و هفتم

لاله صاحب مشفق مخلصان سلامت بعد گزارش سلام و آرزوی دریافت مواصلت سامی مکشوف

ضمیر مهربانی تصویر نموده می آید زبانی آیندگان انصوب دریافت شد که خدمت وقائع نگاری

پرگنهٔ رحیم آباد وغیره از حضور فیض گنجور نواب صاحب قبله بنام خان صاحب علی رضا خان جیو مقرر شده و

خدمت پیشکاری خانصاحب بآن مشفق قرار یافته باستماع این خبر جمعیت اثر خیلی نشاط و خرمی بحصول پیوست

اگر این معنی مقرون بصدق باشد مفصل اطلاع بخشند که اخلاص مند بهره اندوز خدمت سامی گردد جمعیتها

همقرین روزگار فرخنده آثار باد مکتوب هشتاد و هشتم دیوان صاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام

و تمنای گرامی خدمت مشهود ضمیر منیر میگرداند صحیفه مهربانی آمود وصول نموده همقرین بهجت و نشاط ساخت

بنابر وجه رسوم خود ایما فرموده بودند بنده در تدبیر است این مرتبه وکیل مع زر قسط بحضور می رسد

وجه رسوم شریف را علیحده حواله او خواهد نمود بخدمت سامی خواهد رسانید مخلص را وابسته مهربانیهای خود

تصور نموده بایمای خدمات لائقه یاد فرما باشند که تقدیم آن موجب خوشیها است دولت و اقبال

روز افزون باد مکتوب هشتاد و نهم دیوانصاحب مهربان قدردان سلامت وکیل برای حصول

داخله بکچهری فرستاده بودم ظاهرا متصدیان کچهری بی تحریر داخله نمی نویسند چون معمول بنده نیست که

وجه تحریر در آخر سال میرساند درین صورت امید که بمتصدیان تاکید شود که داخله وکیل را نوشته دهند

انشاء الله تعالی زر تحریر بعد بیباقی زر سرکار رسانیده خواهد شد زیاده چه نوشته آید مکتوب

نود [۹۰] دیوان صاحب مهربان قدردان سلامت بعد سلام شوق ملاقات سامی مشهود ضمیر منیر نموده می آید مهربانی نامه مشتمل بر فرستادن فراریان موضع کریم پور که در موضع حیمپور علاقهٔ بنده استقامت میداراند رسید موجب نشاط خاطر گردید صاحب من فی الواقع فراریان مسطور در موضع مذکور بی اطلاع بنده استقامت کرده بودند وقتیکه به بنده اطلاع شد فراریان علاقه سامی را در علاقهٔ خود جای دادن مناسب ندیده فی الفور بدر نمود اگر میبودند البته مشتمال نموده بخدمت سامی میفرستاد زیاده بجز شوق چه نویسد مکتوب نود و یکم [۹۱] شیخ صاحب مهربان سلامت گوپال مقدم موضع دیوانی ده علاقهٔ سامی مبلغ پنجاه روپیه زر نالموی زمیندار علاقهٔ بنده بطریق قرض بوعدهٔ فصل ربیع گرفته بود حالا که وعده رسید در ادای زر حیله و حواله مینماید چون مقدمهٔ طرفین واحد است مقدم مسطور را نزد خود طلبیده تاکید مزید فرمانید که از بدمعالگی دست برداشته زر قرضه را بموجب اقرار ادا نماید زیاده چه برطراز د مکتوب نود و دوم [۹۲] میرزا صاحب مهربان سلامت رعایای موضع کهار اظهار نمودند که اسامیان موضع بانداده علاقه سامی اراضی پنجاه بیگهه از موضع کهار اتردد کاشت کرده بودند محصول آنرا میخواهند که متصرف شوند چون مقدمه فیمابین واحد است لهذا متصدع میشود که اسامیان مرقوم را مانع باید شد که در زمین مزبور دست انداز نشوند زمینداران پنج ده راجمع نموده از روی پنچایت فیصل کرده دهند اگر زمین کهار قرار یابد حاصل آنرا بموجب بر لبست ده بمالک برسانند و اگر زمین بانده ثابت شود مختار اند انفصال این قضیه ضرور است زیاده چه نوشته آید مکتوب نود و سوم [۹۳] میرزا صاحب مهربان سلامت خط سامی وصول نمود بر حقیقت مندرجه اطلاع دست داد تقاضای زر قیمت اسپ که نوشته بودند صاحب من بالفعل بر بنده تقاضای زر سرکار بسیار است پروانجات از حضور متواتر میرسند اگر زر در ارسال نمی آید دستک سواران کله پوش تعین میشود درین صورت چند روز دیگر توقف باید نمود که زر سرکار ارسال کرده وجه قیمت اسپ البته آن مهربان خواهم رسانید خاطر شریف جمع فرمانید زیاده چه نوشته آید مکتوب نود و چهارم [۹۴]

میرزا صاحب مهربان قدر [illegible] سلامت [illegible] گرامی نامه وصول نموده [illegible] بسط و منشرح گردانید در باب
فرستادن یکدست جره ایما شده بود مهربان من امسال چهار دست جره خرید کرده
یکی ازان محض ناکاره بر آمد سه دست در پرواز و صیدگیری خوب بر آمد ازان جمله یک جره که از همه بهتر بود مطابق ایمای سامی حوالهٔ رحیم بازدار نموده بخدمت خواهد رسانید همیشه از مهربانی
رقائم یاد فرما و نشاط افزا باشند زیاده چه برطرازد*

خاتمة الطبع

الحمد لله والمنة که درین زمان فرخی توامان انشای دلپسند نافع مبتدیان مسمی به
دستور الصبیان من تصنیف وبیر صاحب ذکای منشی نونده رای
که از قدیم بکار آمد مدارس و مکاتب است و بسبب سلاست عبارت
و آسان فهمی اشارت بموداے کلموا الناس علی قدر عقولهم مناسب
در مطبع فیض منبع منشی نولکشور واقع لکهنؤ بسرپرستی
عالی جناب منشی بشن نرائن صاحب
مالک مطبع دام اقباله بار
چهل و هشتم بماه نومبر
سنه ۱۹۲۵ع طبع
شد

نام کتاب	نام کتاب
[illegible] عقبیٰ ۔ در درود و دعا لکف اسمائے الٰہی [illegible] رسب و ک [illegible] لت پناہی تالیف [illegible] مولوی محمد عباس ۔	ترغیب الفرقان ۔ در فضائل مؤلفہ منشی محمد ظہیر الدین بلگرامی ۔
تحفۃ الزوجین ۔ میان بی بی کے باہمی حقوق اور اُنکے معاشرت مؤلفہ نواب مولوی قطب الدین خان ۔	تاریخ مکہ معظمہ ۔ احوال بنائے کعبہ و فضائل مؤلفہ حاجی محمد فخر الدین خان ۔
احکام العیدین ۔ مؤلفہ نواب قطب الدین خان ۔	مرج البحرین ۔ فی فضائل الحرمین ۔ کعبے اور مدینے کی بزرگیون کا بیان ۔ مؤلفہ مفتی محمد عبد الغفار ۔
تحریم النساء ۔ رشتہ دارون کی کون عورتین حلال ہین اور کون حرام یعنی جن کے ساتھ نکاح درست نہین شرعًا مؤلفہ مولوی قطب الدین علی خان ۔	مجموعۂ جوشن صغیر و کبیر ۔ مترجم مع درود طوسی و دعائے کمیل ۔
رسالۂ کلید باب الحج ۔ احکام حج کا بیان مصنفہ منشی محمد سید انور علی ۔	جوشن صغیر ۔ مترجم ۔
فضائل الشہور و الصیام فی اوراد اللیالی والایام ۔ مہینون اور ماہ صیام کی فضیلت مؤلفہ مولوی محمد رمضان ۔	طریقۂ حسنہ ۔ مصنفہ حکیم رحمان علی خان مدار المہام ریاست ریوان ۔
سراج السالکین ترجمۂ منہاج العابدین ۔ جو مصنفہ حضرت امام غزالی ہے مترجمہ مولوی منیر ۔	وصیت نامہ ۔ مع رسالۂ دانشمندی ۔ تصنیف شاہ ولی اللہ محدّث دہلوی ۔
گلدستۂ کرامات ۔ در خرق عادات و کرامات حضرت غوث الاعظم مصنفہ مفتی غلام سرور لاہوری ۔	قصۂ ماہ رمضان ۔ مصنفہ عبد اللہ خان ۔
رسالۂ عجالۂ ہادیہ ۔ در امتناع بازی شطرنج معروف بہ رسالۂ شطرنج ۔ مؤلفہ مولوی عبد اللہ بلگرامی ۔	مناہج النبوۃ ۔ ترجمۂ مدارج النبوۃ ۔ مصنفہ خواجہ عبد المجید دو جلد مین ۔
گلزار جنت ۔ نعمائے جنت کا بیان مصنفہ نواب قطب الدینخان ۔	رانڈون کی شادی ۔ یعنی شرعًا حسب رضامندی بیوہ کے اُس کی شادی کر دینا درست ہے مؤلفہ مولوی عبد الرحیم دہلوی ۔
	منتخب احکام القرآن ۔ حکمی آیات قرآنی مؤلفہ ابراہیم علی خان ۔